پرستاری از بیمار در سیره معصومین(ع)

درخصوص اهمیت و اجر فراوان تعامل با بیماران، عیادت از بیمار وپرستاری از بیماران،احادیث بسیاری از ناحیه حضرات معصومین صادر شده است. اما گزارش‌های تاریخی و احادیثی که به نوعی تاریخ و سیره اهل بیت را بازگو کرده‌اند حاکی از آن است که خود آن حضرات نیز به این امر اهتمام داشته و ضمن انجام این فریضه، دیگران را نیز به آن توصیه می‌کردند. در نوشتار ذیل به برخی از این گزارش‌ها و احادیث تاریخی اشاره می‌شود.

الف) پرستاری

بنابر برخی از گزارش‌های تاریخی پرستاری نسبت به سایر اعمال مستحبی ارجحیت دارد. دو نفر برای زیارت قبر رسول خدا(صلی الله علیه و آله) به مدینه آمدند، یکی از آنها بیمار شد. او می‌گوید: رفیقم هر روز به مسجد می‌رفت و مرا تنها می‌گذاشت. از این کار به شخصی که با امام صادق(ع) در ارتباط بود، گلایه کردم.

سیره پیامبر در عنایت به عیادت از مریض تا بدانجا بود که هرگاه یکی از اصحاب خود را سه روز نمی‌دیدند آنگاه اگر در سفر بود، دعایش می‌کردند و اگر در شهر بود به دیدارش می‌رفتند و اگر مریض بود، به عیادتش می‌شتافتند.

او هم امام را از این جریان آگاه کرد. حضرت به همراه او پیغام فرستاد که: «نشستن تو نزد او، از نماز خواندنت در مسجد برتر است.»[1]

ب) عیادت از بیماران

عیادت از بیمار از آموزه‌های دین اسلام است و ریشه آسمانی دارد و حتی جبرئیل امین نیز به عیادت می‌رفت. امام صادق(ع) فرمود: پیامبر(ص) گرفتار تب شد، جبرئیل به عیادت حضرت آمد و خواند: «به‌نام خدا تو را از هر بیماری رنج‌آوری شفا می‌دهم به‌نام خدا که خدا شفابخش است، به‌نام خدا بگیر شفا را، به‌نام خداوند رحمان و رحیم (قسم به منزل‌گاه ستارگان) که به اذن خدای متعال خوب شوی.»[2]

سیره پیامبر در عنایت به عیادت از مریض تا بدانجا بود که هرگاه یکی از اصحاب خود را سه روز نمی‌دیدند از حال او جویا می‌شدند، آنگاه اگر در سفر بود، دعایش می‌کردند و اگر در شهر بود به دیدارش می‌رفتند و اگر مریض بود، به عیادتش می‌شتافتند.[3] پیامبر به بیماران در مقابل صبر بر بیماری، وعده اجر اخروی می‌داد. یکی از صحابه مؤنث حضرت به نام اُمّ علاء می‌گوید: هنگامی که بیمار بودم، پیامبر به عیادتم آمد و فرمود: «ای اُمّ‌علاء مژده‌ات باد؛ چرا که بیماری مسلمان، چیزی است که خدا به خاطر آن، گناهان او را از میان می‌برد، آنسان که آتش، ناخالصی‌های طلا و نقره را از بین می‌برد.»[4]

عیادت همراه با هدیه

در سیره اهل بیت(ع) است که دست خالی به عیادت بیمار نمی‌رفتند. عده‌ای از اصحاب امام صادق(ع) به عیادت بیماری می‌رفتند حضرت پرسید: کجا می‌روید؟ گفتند به عیادت فلان؛ فرمود بایستید، ایستادیم، فرمود: آیا سیب یا گلابی یا کمی عطر یا یک قطعه عود، برای هدیه برداشته‌اید؟ گفتیم نه، چیزی از اینها همراه ما نیست، فرمود: مگر نمی‌دانید که بیمار از هر چیزی که برایش برده شود احساس راحتی می‌کند.»[5]

عیادت از مخالفان

در منابع آمده است که پیامبر به عیادت بیماران می‌رفت و حتی از دشمنان خود نیز عیادت می‌کرد. در گزارش‌ها آمده است که مردی یهودی بود که هنگام عبور رسول‌الله(ص) خاکروبه و خاکستر بر سروصورت حضرت می‌ریخت. این برنامه هر روز ادامه داشت تا اینکه روزی حضرت از آن کوچه گذشتند، ولی خبری از مرد یهودی نبود، وقتی علت را جویا شد، اصحاب پاسخ دادند؛ خداراشکر آن مرد یهودی مریض شده و در بستر بیماری است! حضرت به طرف منزل یهودی رفت و همسر یهودی درب را باز کرد. پیامبر فرمود: به عیادت همسرت آمده‌ام! رسول خدا وارد خانه شدند و کنار بستر آن مرد نشستند و با او احوالپرسی کردند و هیچ‌گونه کنایه‌ای به آن مرد نزدند. مرد یهودی که از رفتار پیامبر تعجب کرده بود، پرسید: این برخورد شما، جزو دین اسلام است یا از اخلاق شخصی شماست؟ حضرت پاسخ دادند: جزو دین اسلام است! آن مرد همان‌جا مسلمان شد.[6]

در سیره امیرالمؤمنین علی(ع) نیز عیادت از زید بن ارقم است. زید با آنکه در جریان غدیر خم حضور داشت آمدند و از او گواهی خواستند؛ ولی چون او از طرف حکومت برای خود احتمال خطر می‌داد از بیان حقیقت و جریان غدیر خودداری کرد. بعد از گذشت مدّتی، همین شخص مریض شد و در بستر بیماری افتاد، وقتی امیرالمؤمنین شنید که زید بن ارقم مریض حال است به عیادت و دیدار او آمد. همین‌که زید بن ارقم چشمش به جمال نورانی حضرت افتاد، گفت: مرحبا به امیر مؤمنان، که از من عیادت می‌کند، هرچند وی ما را قبول ندارد و از ما دلگیر و آزرده خاطر است.

امام علیّ(ع) فرمود: ای زید! آن ناراحتی که برای ما به وجود آوردی هرگز مانع آن نمی‌شود که ما شرط انسانیّت و حقّ دوستی را فراموش کنیم و تو را در حال بیماری عیادت نکنیم. پس از آن افزود: هرکس مریضی را برای رضای خداوند عیادت کند، تا هنگامی که در کنار مریض نشسته باشد، در سایه رحمت و لطف الهی خداوند قرار خواهد داشت و چون بخواهد از نزد مریض بیرون رود، خداوند متعال هفتاد هزار ملک را مأمور می‌کند تا برای او درود و تحیّت فرستند؛ و مشمول رحمت الهی قرار می‌گیرد. سپس افزود: ای زید! من دوست داشتم که چنین فضیلتی شامل حالم شود؛ به همین جهت از تو عیادت کردم.[7]



در سیره اهل بیت(ع) است که دست خالی به عیادت بیمار نمی‌رفتند. عده‌ای از اصحاب امام صادق(ع) به عیادت بیماری می‌رفتند حضرت پرسید: کجا می‌روید؟ گفتند به عیادت فلان؛ فرمود بایستید، آیا سیب یا گلابی یا کمی عطر یا یک قطعه عود، برای هدیه برداشته‌اید؟ گفتیم نه، چیزی از اینها همراه ما نیست، فرمود: مگر نمی‌دانید که بیمار از هر چیزی که برایش برده شود احساس راحتی می‌کند.

برای مطالعه بیشتر:

- کتاب «دانشنامه احادیث پزشکی» نوشته آیت‌الله محمدمحمدی ری‌شهری، چاپ مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سال ۱۳۸۵ش.

پی نوشت‌ها:

۱. شیخ کلینی، محمد بن یعقوب،الکافی، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه، ۱۴۰۷ق. ج ۴، ص ۵۴۵.
۲. طبرسی حسن بن فضل؛ مکارم‌الاخلاق، قم: مدرسه النشرالاسلامی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۹۱.
۳. همان، ص ۱۹.
۴. ابوداود، سلیمان بن اشعث، سنن أبی داود، محقق ابراهیم سید، دارالحدیث، قاهره، ۱۴۲۰ق، چاپ اول،ج۳، ص۱۳۵۱.
۵. طبرسی، پیشین، ص ۳۶۰
۶. طیب، عبدالحسین، اطیب‌البیان ، اسلام، تهران، ۱۳۶۹ش، چاپ دوم، ج۹، ص۴۶۳؛ آیت‌الله مکارم شیرازی، مثال‌های زیبای قرآن، نسل جوان، قم، ۱۳۸۲ش، چاپ اول، ج۱، ص۲۰۲؛ حکیمی محمدرضا، خردنامه همشهری» شماره یازده، بهمن ۱۳۸۵ ش، صص ۴۲و۴۳.
۷. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام، مصحح: فیضی، آصف، مؤسسهٔ آل البیت ، ۱۳۸۵ ق، چاپ دوم، ج۱، ص۲۱۸

روش‌های ترویج فرهنگ نماز برای نسل جدید

محسن قرائتی



در قرآن کریم دوبار درباره حضرت ابراهیم(ع) آمده است که از خداوند خواست خود و فرزندانش را از اقامه‌کنندگان نماز قرار دهد و این نشان می‌دهد نماز تنها یک عمل فردی نیست، بلکه اقامه آن در جامعه نیز اهمیت دارد. در یکی از دیدارها و گفت‌وگوهای امام رضا(ع) با پیروان ادیان مختلف هنگامی که طرف مقابل در حال پذیرش سخنان امام رضا(ع) بود، وقت نماز فرا رسید و امام رضا(ع) گفت‌وگو را برای اقامه نماز متوقف کرد. این رفتار نشان می‌دهد که نماز حتی در مهم‌ترین گفت‌وگوها و مباحث نیز جایگاه ویژه‌ای دارد.

ضرورت استفاده از مثال‌های قابل فهم در بیان مفاهیم قرآنی

اگر بخواهیم مفاهیم قرآن برای نسل امروز قابل درک باشد، باید آنها را با مصادیق روزمره زندگی پیوند بزنیم. گاهی یک مفهوم قرآنی را می‌توان با یک مثال ساده برای کودک، نوجوان، دانشجو یا عموم مردم بیان کرد و همین روش می‌تواند زمینه ارتباط بیشتر مخاطب با قرآن را فراهم کند.

نباید منتظر باشیم مردم برای شنیدن سخن دینی سراغ ما بیایند؛ در سیره پیامبران نیز می‌بینیم که آنان خود به سراغ مردم می‌رفتند و دعوت الهی را به میان جامعه می‌بردند.

***

یکی از راه‌های مؤثر برای ترغیب مردم به نماز توجه دادن آنان به نعمت‌های خداوند است. قرآن کریم بارها انسان را به یادآوری نعمت‌های الهی دعوت می‌کند؛ بنابراین باید کمک کنیم مردم نعمت‌هایی را که هر روز در زندگی خود تجربه می‌کنند، بشناسند و درباره آنها بیندیشند.

سیره پیامبران، الگوی ارتباط با نسل جوان

در اصلاح و ارشاد باید از نزدیک‌ترین و اثرگذارترین افراد آغاز کرد و ارتباط عاطفی و انسانی با مخاطب را مورد توجه قرار داد. در قرآن می‌بینیم که حضرت ابراهیم(ع) در مسیر دعوت و اصلاح، ارتباط خود را از نزدیک‌ترین افراد آغاز می‌کند، این شیوه می‌تواند برای فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی امروز نیز مورد توجه قرار گیرد. باید برای هر گروه سنی و اجتماعی، زبان مناسب آن گروه را پیدا کرد، اگر مخاطب کودک است باید با زبان کودک با او سخن گفت و اگر مخاطب جوان است، باید ادبیات و مثال‌هایی متناسب با ذهن و مسائل او به کار برد.

نباید منتظر باشیم مردم برای شنیدن سخن دینی سراغ ما بیایند؛ در سیره پیامبران نیز می‌بینیم که آنان خود به سراغ مردم می‌رفتند و دعوت الهی را به میان جامعه می‌بردند.

لزوم ارتباط چهره‌به‌چهره با جوانان

همه مردم با حضور در یک سخنرانی عمومی یا یک منبر تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند. گاهی لازم است با افراد به‌صورت فردی و چهره‌به‌چهره گفت‌وگو شود.

برخی جوانان ممکن است در مسجد یا برنامه‌های عمومی حضور نداشته باشند، اما اگر یک روحانی یا فعال فرهنگی با آنها ارتباط مستقیم برقرار کند، می‌تواند زمینه گفت‌وگو و هدایت آنها را فراهم کند.

ارتباط با دانشجویان و جوانان نباید محدود به برنامه‌های رسمی باشد و لازم است در محیط‌های دانشجویی و اجتماعی نیز ارتباط نزدیک و مستمر با نسل جوان شکل بگیرد. هرچه درباره کمال انسان بررسی کنیم، نمی‌توانیم آن را از نماز جدا بدانیم؛ زیرا نماز با اخلاق، خانواده، مسئولیت اجتماعی و رعایت حقوق دیگران ارتباط مستقیم دارد.

صرف انجام حرکات ظاهری نماز برای تحقق اهداف آن کافی نیست، نماز زمانی می‌تواند نقش تربیتی خود را ایفا کند که با شرایط و حقیقت آن همراه باشد و آثارش در زندگی انسان دیده شود. آموزه‌های اسلامی حتی در هنگام عبادت نیز به حقوق اطرافیان توجه دارند، انسان نباید به بهانه انجام عبادت از نیازهای خانواده و دیگران غافل شود. در روایت‌های اسلامی آمده است که پیامبر اکرم(ص) هنگام شنیدن گریه کودکی، نماز را کوتاه می‌کردند تا مادر کودک دچار دشواری نشود.

این رفتار نشانه پیوند عبادت با مسئولیت‌پذیری است. نماز از زندگی مردم جدا نیست و رعایت حال دیگران باید در همه شرایط، حتی هنگام عبادت، مورد توجه قرار گیرد.

گاهی یک رفتار ساده می‌تواند بیش از ساعت‌ها سخنرانی اثرگذار باشد. وقتی جوانان ببینند یک عالم دینی نسبت به مسائل ساده زندگی آنان حساس است و برای آنها اهمیت قائل می‌شود، این رفتار در ذهن آنان باقی می‌ماند. در فعالیت‌های فرهنگی باید به جزئیات نیز توجه داشت؛ زیرا همین رفتارهای کوچک می‌تواند اثر تربیتی بزرگی بر مخاطب داشته باشد. روحانیون باید در میان مردم و جوانان حضور داشته باشند.

آموزش دینی باید ساده روشن و کاربردی باشد

هدف از فعالیت قرآنی باید فهم درست آیات و عمل به آنها باشد، نه صرفاً برگزاری برنامه‌هایی با عنوان قرآن.

مطالب دینی باید متناسب با ظرفیت مخاطب ارائه شوند. اگر آموزش‌ها بیش از اندازه پیچیده باشند، ممکن است مخاطب نتواند با آنها ارتباط برقرار کند؛ ازاین‌رو، ساده‌گویی و انتخاب شیوه مناسب برای انتقال مفاهیم اهمیت فراوانی دارد. باید بتوانیم پیام‌های دینی را روشن، مختصر و متناسب با نیازهای مردم بیان کنیم تا زمینه فهم و به‌کارگیری آنها در زندگی فراهم شود.

رفتار دینی بیش از سخنرانی اثر می‌گذارد

گاهی یک رفتار ساده می‌تواند بیش از ساعت‌ها سخنرانی اثرگذار باشد. وقتی جوانان ببینند یک عالم دینی نسبت به مسائل ساده زندگی آنان حساس است و برای آنها اهمیت قائل می‌شود، این رفتار در ذهن آنان باقی می‌ماند. در فعالیت‌های فرهنگی باید به جزئیات نیز توجه داشت؛ زیرا همین رفتارهای کوچک می‌تواند اثر تربیتی بزرگی بر مخاطب داشته باشد. روحانیون باید در میان مردم و جوانان حضور داشته باشند.

از روزهای نخست انقلاب، روحانیون در عرصه‌های مختلف حضور داشته‌اند، اما امروز نیز باید ارتباط آنان با مردم، به‌ویژه جوانان تقویت شود.

روحانیون و ائمه جماعات باید برنامه مشخصی برای ارتباط با دانشجویان، دانش‌آموزان، سربازان و سایر گروه‌های اجتماعی داشته باشند و تنها به برگزاری نماز جماعت اکتفا نکنند.

ظرفیت‌های موجود برای اقامه نماز هنوز به طور کامل استفاده نشده است

در بسیاری از محیط‌هایی که امکان اقامه نماز جماعت وجود دارد، هنوز از ظرفیت موجود استفاده نشده است و باید برای این مسئله برنامه‌ریزی کرد.

مدرسه‌ای با صدها دانش‌آموز، پادگانی با ده‌ها سرباز یا مجموعه‌ای با تعداد زیادی نیروی انسانی، هرکدام می‌توانند محل مناسبی برای اقامه نماز جماعت و ارتباط فرهنگی باشند و نباید این ظرفیت‌ها نادیده گرفته شود.

هر روحانی باید ارتباطی مستمر با یک مدرسه داشته باشد؛ چراکه اگر قرار است نسل آینده با نماز و قرآن مأنوس شود، باید تربیت دینی را از مدرسه جدی بگیریم.

ارتباط مستقیم با دانش‌آموزان، شناخت نیازهای آنان و استفاده از شیوه‌های مناسب برای انتقال مفاهیم دینی، از الزامات ترویج فرهنگ نماز در میان نسل جدید است. برخورداری از دانش به‌تنهائی برای انتقال مفاهیم کافی نیست و فعالان این حوزه باید روش صحیح آموزش و ارتباط با مخاطبان، به‌ویژه نوجوانان و جوانان را نیز بیاموزند.

زنده نگه‌داشتن نماز در جامعه نیازمند ارتباط مستمر با مردم و حضور مؤثر در میان دانش‌آموزان است؛ بنابراین باید به سراغ نسل جدید برویم، زبان آنان را بشناسیم و مفاهیم دینی را متناسب با نیازهایشان ارائه کنیم.

سخنرانی در سی‌وسومین اجلاسیه سراسری نماز در مشهد (مهرماه ۱۴۰۵) به نقل از تسنیم



عدل الهی و تفاوت‌ها

شبهه: چرا برخی انسان‌ها با سلامت جسمی، هوش بالا و امکانات مالی مناسب متولد می‌شوند، درحالی‌که برخی دیگر از بدو تولد با محدودیت‌هایی مانند نابینایی، فقر خانوادگی یا زندگی در مناطق جنگ‌زده روبرو هستند؟ اگر خداوند عادل است، چگونه می‌توان این تفاوت‌های عمیق در شرایط آغاز زندگی را با عدالت او سازگار دانست؟ آیا این تفاوت‌ها به این معناست که برخی انسان‌ها برای سعادت و برخی دیگر برای شقاوت آفریده شده‌اند؟

پاسخ: زندگی انسان‌ها از نقطه‌های یکسانی آغاز نمی‌شود. برخی از همان کودکی از سلامت، امکانات آموزشی و حمایت خانوادگی برخوردارند، در حالی که برخی دیگر با محدودیت‌های جسمی، محرومیت اقتصادی یا ناامنی‌های اجتماعی روبرو می‌شوند. این تفاوت‌ها بر فرصت‌های رشد، انتخاب‌های پیش‌رو و مسیر آینده افراد اثر می‌گذارند و گاه فاصله‌ای چشمگیر میان امکانات اولیه آنان ایجاد می‌کنند. از همین‌جا پرسشی بنیادی درباره عدالت الهی شکل می‌گیرد: چگونه می‌توان تفاوت‌های نابرابر در آغاز زندگی را با عادل بودن خداوند سازگار دانست؟ آیا شرایطی که انسان بدون انتخاب خود در آن قرار می‌گیرد، سرنوشت نهایی او را نیز رقم می‌زند؟ برای پاسخ به این پرسش، باید در نگرش خود به دنیا و معنای زندگی تأمل کنیم. اگر زندگی را صرفاً به برخورداری‌ها و محرومیت‌های دنیوی محدود بدانیم، ارزیابی عدالت بر اساس تفاوت‌های ظاهری دشوار خواهد بود. اما اگر دنیا را عرصه‌ای برای رشد، انتخاب و آزمون انسان بدانیم، پرسش اصلی این خواهد شد که خداوند چگونه تلاش و عملکرد افراد را با توجه به شرایط، توانایی‌ها و فرصت‌های متفاوتشان ارزیابی می‌کند. بر این اساس، فهم عدالت الهی مستلزم توجه همزمان به تفاوت‌های آغاز زندگی، امکان رشد و معیاری است که خداوند بر اساس آن هر فرد را متناسب با وسع و شرایط واقعی‌اش داوری می‌کند. در ادامه توضیحات بیشتر بیان می‌شود.

نکته اول: تولد انسان در شرایط متفاوت

تولد انسان در خلأ و مستقل از نظام علل و اسباب رخ نمی‌دهد. هر فرد در پیوند با مجموعه‌ای از عوامل زیستی، وراثتی، خانوادگی و اجتماعی پدید می‌آید. ویژگی‌های ژنتیکی، وضعیت سلامت والدین، شرایط دوران بارداری، محیط زندگی و عوامل متعدد دیگر می‌توانند بر ویژگی‌های جسمی و توانایی‌های اولیه فرزند اثر بگذارند. اگر جسمانیۀالحدوث بودن روح را بپذیریم،[1] پیدایش روح نیز با فرایند تکوین جسمانی انسان پیوند دارد؛ بنابراین، انسان از آغاز پیدایش خود در موقعیتی وجودی و شرایطی خاص قرار می‌گیرد. از این منظر، یکسان نبودن ویژگی‌های جسمانی و امکانات اولیه افراد، امری قابل انتظار است. البته نباید همه تفاوت‌ها را طبیعی و اجتناب‌ناپذیر دانست. برای مثال، فقر ناشی از توزیع ناعادلانه ثروت می‌تواند دسترسی خانواده‌ها به غذای مناسب، مراقبت‌های پزشکی و آموزش باکیفیت را محدود کند. جنگ و تبعیض نیز ممکن است فرصت‌های رشد و شکوفایی کودکان را از بین ببرند. بنابراین، بخشی از نابرابری‌های انسانی نه صرفاً نتیجه طبیعت، بلکه پیامد عملکرد و تصمیم‌های انسان‌هاست.

نکته دوم: امکانات اولیه و سرنوشت دنیاییِ انسان

شرایط آغاز زندگی مهم‌اند، اما نباید آنها را با سرنوشت قطعی انسان یکسان دانست. برخورداری از امکانات بیشتر می‌تواند مسیر رشد را هموارتر کند، اما موفقیت انسان همیشه به امکانات اولیه او محدود نمی‌ماند. استعداد، تلاش، آموزش، پشتکار، حمایت دیگران و فرصت‌هایی که در طول زندگی پدید می‌آیند، همگی در مسیر رشد نقش دارند. برای نمونه، دکتر محمد خزائلی (۱۲۹۲–۱۳۵۳ش)، معروف به «محمد نابغه»، دانشمند، ادیب و پژوهشگر نابینای ایرانی بود که در هجده‌ماهگی بر اثر بیماری آبله بینایی خود را از دست داد. او با وجود این محدودیت، تحصیلات خود را ادامه داد و در رشته‌های ادبیات فارسی و حقوق قضایی از دانشگاه تهران به درجه دکتری رسید. خزائلی حافظ کل قرآن بود و در زمینه‌های ادبیات، فلسفه، تفسیر و حقوق اسلامی پژوهش می‌کرد. او همچنین در تأسیس آموزشگاه‌های بزرگسالان، مراکز آموزشی ویژه نابینایان و سازمان‌ها و انجمن‌های حمایت از نابینایان نقش داشت و در سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۰ نماینده مردم اراک در مجلس شورای ملی بود. زندگی او نمونه‌ای از دستیابی به دستاوردهای علمی و اجتماعی با وجود محدودیت‌های جسمی است.[2]

نمونه دیگر، هاین واگنر، کارآفرین و ورزشکار نابینا است. او از بدو تولد نابینا بوده و در کنار فعالیت حرفه‌ای به عنوان سخنران، در مسابقات ورزشی دشواری مانند ماراتن و مسابقات سه‌گانه شرکت کرده است. زندگی او نمونه‌ای از دستیابی به موفقیت در عرصه‌هایی است که معمولاً وابستگی زیادی به بینایی دارند.[3] این موارد نشان می‌دهند که برخی محدودیت‌ها لزوماً مانع همه شکل‌های رشد و موفقیت نمی‌شوند و انسان می‌تواند راه‌های تازه‌ای برای شکوفایی توانایی‌های خود پیدا کند.

البته از این نمونه‌ها نباید نتیجه گرفت که هر فردی، صرفاً با اراده و تلاش، قادر است بر تمام محدودیت‌های جسمی و اجتماعی غلبه کند. فقر شدید، نبود آموزش، تبعیض و فقدان امکانات مناسب می‌توانند موانع واقعی و گاه بسیار سنگینی باشند. ازاین‌رو، تلاش فردی مهم است، اما فراهم کردن فرصت‌های عادلانه و حمایت از افراد محروم نیز اهمیت دارد. پس تفاوت در نقطه آغاز زندگی، تمام ظرفیت‌های آینده انسان را مشخص نمی‌کند؛ همان‌گونه که امکانات فراوان نیز موفقیت را تضمین نمی‌کنند.

نکته سوم: شرایط زندگی و سرنوشت معنوی انسان

تا اینجا درباره حیات زیستی، امکانات و موفقیت‌های دنیوی سخن گفتیم. اما پرسش از عدالت الهی، بُعد دیگری نیز دارد: آیا تفاوت در شرایط تولد به معنای تفاوت قطعی در ارزش معنوی و سرنوشت نهایی انسان‌هاست؟

در نگاه اسلامی، انسان صرفاً موجودی زیستی نیست که ارزش و سرنوشتش با سلامت، ثروت یا ویژگی‌های جسمانی تعیین شود. انسان با انتخاب‌ها و کنش‌های خود می‌تواند مسیر اخلاقی و معنوی زندگی‌اش را شکل دهد. قرآن درباره امکان دستیابی به حیات شایسته می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ؛ هر کس، مرد یا زن، کار شایسته انجام دهد و مؤمن باشد، او را به حیاتی پاکیزه زنده می‌داریم.»[4] این آیه نشان می‌دهد که کیفیت معنوی زندگی با ایمان و عمل صالح پیوند دارد، نه صرفاً با برخورداری‌های مادی. ممکن است فردی با امکانات فراوان زندگی کند، اما از آنها در مسیر نادرست بهره ببرد؛ در مقابل، فردی که با محدودیت‌های جدی روبه‌روست، می‌تواند در محدوده توان و فرصت‌های خود مسیر اخلاقی و معنوی ارزشمندی را بپیماید. بنابراین، شرایط اولیه زندگی نه تضمین‌کننده سعادتند و نه به‌خودی‌خود موجب شقاوت. البته این سخن به معنای یکسان بودن فرصت‌های معنوی همه افراد نیست؛ بلکه به این معناست که نمی‌توان سرنوشت نهایی کسی را صرفاً از روی شرایط تولدش تعیین کرد.

نکته چهارم: دنیا؛ عرصه انتخاب، تلاش و آزمون

در نگاه دینی، زندگی عرصه‌ای است که انسان در آن با شرایط گوناگون روبرو می‌شود و فرصت می‌یابد توانایی‌ها و انتخاب‌های خود را آشکار کند. قرآن می‌فرماید: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ؛ خداوند مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدام‌یک نیکوکارترید.»[5] این آزمون برای همه به یک شکل نیست. برای فرد برخوردار، چگونگی استفاده از امکانات، رعایت حقوق دیگران و مسئولیت‌پذیری می‌تواند موضوع آزمون باشد؛ برای فرد محروم، ممکن است تلاش برای بهبود شرایط، بهره‌گیری از فرصت‌های موجود و نحوه مواجهه با دشواری‌ها اهمیت پیدا کند. تفاوت شرایط ، هم می‌تواند موانع متفاوتی ایجاد کند و هم زمینه‌های متفاوتی برای رشد و بروز استعدادها فراهم آورد. با این‌حال، آزمون بودن دشواری‌ها به معنای مطلوب بودن فقر، جنگ یا بیماری نیست. اگر محرومیت نتیجه ظلم انسان‌ها باشد، مقابله با آن و فراهم کردن شرایط بهتر برای دیگران، مسئولیتی اخلاقی است. نمی‌توان با این استدلال که زندگی آزمون است، از مسئولیت خود در برابر رنج دیگران چشم پوشید.

نکته پنجم: عدالت الهی؛ ارزیابی متناسب با وسع

اکنون می‌توان به مسئله اصلی بازگشت: اگر انسان‌ها در شرایط یکسانی متولد نمی‌شوند، عدالت خداوند چگونه تحقق پیدا می‌کند؟

قرآن می‌فرماید: « لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ؛ خداوند هیچ‌کس را جز به اندازه توانش مکلف نمی‌کند.»[6]

تفاوت انسان‌ها در شرایط تولد، هرچند واقعیتی انکارناپذیر و گاه بسیار دردناک است، اما به‌تنهایی نشانه تبعیض در آفرینش یا دلیلی بر سعادتمند یا بدبخت آفریده شدن برخی انسان‌ها نیست. بخشی از این تفاوت‌ها از نظام علل و اسباب طبیعی ناشی می‌شود و بخشی دیگر، حاصل رفتارها و ساختارهای ناعادلانه انسانی است. از سوی دیگر، شرایط آغاز زندگی بر فرصت‌های رشد اثر می‌گذارند، اما لزوماً همه ظرفیت‌های انسان یا مسیر نهایی زندگی او را تعیین نمی‌کنند.

این اصل نشان می‌دهد که مسئولیت و ارزیابی انسان باید با توان واقعی او تناسب داشته باشد. فردی که از آموزش، سلامت و امکانات مناسب برخوردار بوده، ممکن است فرصت‌هایی در اختیار داشته باشد که فرد محروم از آنها بی‌بهره است. همچنین میزان آگاهی، امکان انتخاب، شرایط خانوادگی و اجتماعی و محدودیت‌های واقعی هر فرد می‌توانند در ارزیابی عملکرد او مؤثر باشند.

از همین رو، عدالت در ارزیابی به معنای انتظار عملکرد یکسان از همه نیست؛ بلکه به معنای سنجیدن تلاش هر فرد با توجه به شرایط واقعی اوست. قرآن می‌فرماید: « وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ؛ برای انسان جز حاصل تلاش او نیست.»[7] می‌توان این موضوع را به مسابقه‌ای تشبیه کرد که شرکت‌کنندگان آن از نقطه شروع یکسانی حرکت نمی‌کنند؛ یکی از امکانات و آمادگی بیشتری برخوردار است و دیگری باید مسیر دشوارتری را طی کند. اگر فقط به نتیجه نهایی نگاه کنیم و شرایط هر فرد را نادیده بگیریم، ممکن است ارزیابی دقیقی از تلاش و عملکرد او نداشته باشیم. عدالت به این معنا نیست که همه الزاماً به نتیجه یکسانی برسند، بلکه باید دید هر فرد با توجه به توانایی‌ها، امکانات و موانعی که با آنها روبه‌رو بوده، چه اندازه تلاش کرده و از فرصت‌های خود چگونه بهره برده است. البته این به معنای بی‌اهمیت بودن موانع یا بی‌نیازی از برطرف کردن آنها نیست؛ بلکه نشان می‌دهد برای داوری عادلانه، هم باید عملکرد افراد را دید و هم شرایطی را که در آن عمل کرده‌اند.

نکته ششم: جبران محرومیت‌ها در افق آخرت

زندگی انسان به دنیا محدود نمی‌شود؛ از این رو، اگر برخی محرومیت‌ها و رنج‌ها در این دنیا به‌طور کامل جبران نشوند، این به معنای پایان عدالت نیست. باور به آخرت، افق عدالت و جبران را فراتر از فرصت‌های محدود دنیوی می‌برد. در روایتی منسوب به امام صادق(ع)، درباره پاداش مصائب مؤمن آمده است که اگر مؤمن از پاداش مصائب خود آگاه بود، آرزو می‌کرد بدنش با قیچی قطعه‌قطعه شود: «لو یعلم‌المؤمن ما له فی المصائب من‌الأجر لتمنی أن یقرض بالمقاریض.»[8]

روشن است که مضمون این روایت، تأکید بر عظمت پاداش اخروی در برابر برخی رنج‌هاست؛ نه اینکه رنج‌کشیدن به‌خودی‌خود مطلوب باشد یا بتوان از آن برای توجیه ظلم و محرومیت استفاده کرد. این باور به ویژه درباره کسانی اهمیت دارد که بدون آنکه خود در ایجاد محرومیت نقشی داشته باشند، از فرصت‌های متعارف زندگی محروم شده‌اند.

نتیجه:

تفاوت انسان‌ها در شرایط تولد، هرچند واقعیتی انکارناپذیر و گاه بسیار دردناک است، اما به‌تنهایی نشانه تبعیض در آفرینش یا دلیلی بر سعادتمند یا بدبخت آفریده شدن برخی انسان‌ها نیست. بخشی از این تفاوت‌ها از نظام علل و اسباب طبیعی ناشی می‌شود و بخشی دیگر، حاصل رفتارها و ساختارهای ناعادلانه انسانی است؛ ساختارهایی که اصلاح آنها مسئولیتی بر دوش جامعه و جنگ‌زده، محروم از سعادت دانست؛ همان‌گونه که سلامت، ثروت و هوش بالا نیز سعادت انسان را تضمین نمی‌کنند. بر این اساس، عدالت الهی به معنای یکسان بودن شرایط زندگی یا یکسان شدن نتایج همه انسان‌ها نیست، بلکه مستلزم آن است که هیچ‌کس به‌سبب محدودیت‌های خارج از اختیارش مورد ستم قرار نگیرد و تلاش او متناسب با وسع واقعی‌اش سنجیده شود. باور به آخرت نیز این امید را فراهم می‌کند که محرومیت‌ها و رنج‌هایی که در دنیا جبران نشده‌اند، در افق نهایی عدالت الهی بی‌پاسخ نمانند. پس تفاوت در نقطه آغاز زندگی، نه نشانه تعیین قبلی سرنوشت انسان‌هاست و نه مجوزی برای پذیرش نابرابری؛ بلکه هم ما را به فهم دقیق‌تر عدالت الهی فرا می‌خواند و هم به مسئولیت بیشتر در برابر رنج و محرومیت دیگران.

پی‌نوشت‌ها:

۱. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، الحکمةالمتعالیة فی الاسفارالعقلیةالاربعة، بیروت، دار احیاءالتراث، ۱۹۸۱م، ج ۸، ص ۳۹۳.
۲. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: ویکی‌نور، «خزائلی، محمد»، دانشنامه تخصصی ویکی‌نور، قابل دسترسی در: https://fa.wikinoor.ir/wiki/ خزائلی_محمد (تاریخ دسترسی: ۳۰ مهر ۱۴۰۵).
۳. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: Wagner, Hein. “About Hein Wagner.” Hein Wagner, https://heinwagner.com/about-hein/(accessed October ۲۲, ۲۰۲۶).
۴. نحل، آیه ۹۷.
۵. ملک، آیه ۲.
۶. بقره، آیه ۲۸۶.
۷. نجم، آیه ۳۹.
۸. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، انتشارات موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق، ج۶۷، ص ۲۴۰.

میثم شادپور